

	تاریخ ثبت : ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶	تاریخ روز : ۰۷ / ۰۴ / ۱۳۹۷	عنوان : بررسی نظریات علمی «فردریش نیچه» (2)
---	------------------------------	----------------------------	---

بسمه تعالی

موضوع: بررسی نظریات علمی «فردریش نیچه» (2)

آنچه خدمتتان تقدیم می‌کنیم بخش دوم از گزیده مطالب تحقیقی ذیل سلسله رسائل تفسیری سورة مبارکه هود حاصل تدریس فیلسوف مثاله حضرت استاد موسوی پیرامون سیر زندگی و علمی «فردریش نیچه» است. یکی از نظریاتی که نیچه مطرح ساخت و قصد داریم در این مجال به آن بپردازیم ضدّ ضعیف بود. همه ما بارها شنیده‌ایم که می‌گویند اگر انسان ضعیفی را یافتی دست او را بگیر و بلندش کن، اما ببینیم دیدگاه نیچه در این زمینه چیست؟

قابل ذکر است، نیچه پیرو مکتب سوفسطائی‌ها شد، سوفسطائی‌ها معتقد بودند: هر جا زور هست، قدرت هم هست و دقیقاً نیچه پیرو همین مکتب به بار آمد. بر این اساس مکتب نیچه نه بر عقل تکیه دارد، نه بر عشق، فقط بر قدرت تکیه دارد. او بر آن بود اینکه گویند راستی، درستی، امانت‌داری، احسان و نیکی خوب است، همه این‌ها حرف است؛ یک چیز در عالم اصل است و آن هم فقط قدرت است. به این معنی که اگر انسان بخواهد همیشه آرام باشد نباید ضعیف باشد. اگر ضعیف بود، پایمالش می‌کنند و سهمش را به او نمی‌دهند پس مکتب نیچه روی قدرت پیاده شد. او معتقد است که تمام تلاش انسان در سیر زندگی برای کسب قدرت و زور است. اعتقاد به اصل قدرت او را واداشت تا چنین نظر دهد که اصلاً انسان ضعیف را باید درجا له کرد. اگر فرد ضعیفی را دیدی، یک لگد محکم بر او بزن تا بیشتر در چاله بیفتد، او چرا ضعیف به بار بیاید؟ چرا قوی نباشد؟ معظم له می‌فرمایند: مگر نه این است که خدا به همه عظمت و شکوه و جلوه داده، پس چرا باید ضعیف و فقیر گردد؟ اما صرف‌نظر از حوزه فلسفه ببینیم اصلاً در قرآن و مبانی اهل بیت موضوع «قدرت» چه جایگاهی دارد؟

منطق اسلام و قدرت

باید دانست قدرت نیرویی است که در تمام مراحل عمر با انسان همراه است بدین روی، اسلام و منطق قرآن به‌خوبی موضوع «قدرت» را معرفی کرده است. آنجا که حضرت حق در آیه دوازدهم از سورة مبارکه مریم می‌فرماید: «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» یعنی ای یحیای ما، تو کتاب را که می‌خواهی بگیری، با پنجه قدرت بگیر و اگر این آیه را نسبت به عموم مردم تعمیم دهیم؛ یعنی ای کشاورز تو اگر می‌خواهی کشاورزی کنی، با قدرت کشاورزی کن، ولنکار نباش. به دیدار دوست می‌خواهی بروی همه چیز را منظم کن. اگر می‌خواهی راه بروی در راه با سرعت نرو، در قوه راه‌رفتن باوقار باش، ای محصل تو اگر می‌خواهی درس بخوانی، با قدرت درس بخوان؛ زبون و پژمرده مباش، خودت را ضعیف نکن، خودت را آقا به بار بیاور. یا می‌خواهی حرف بزنی، محکم حرف بزن، سخت چون میخی محکم باشد که به دیوار چشم و گوش و تفکر مخاطب کوبیده می‌شود.

نمونه دیگر، حضرت حق در آیه چهارم از سورة مبارکه صف می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُومٌ» خدای متعال می‌فرماید: ما دوست داریم کسانی که در راه خدا جهاد می‌کنند، این‌ها مانند دیوارهای روئین و فلزی باشند که هیچ قدرتی نتواند دست طمع به آن‌ها بیاندازد. لغت «بنیان مرصوص» نهایت قدرت را نشان می‌دهد.

در منطق دعا هم این‌گونه از پیغمبر دارد که حضرت فرمودند: «اللهم إني أعوذ بك من البخل و أعوذ بك من الجبن» [جامع الصغير، ج 1، ص 58]. خدایا به تو پناه می‌برم از بخل و حسد و به تو پناه می‌برم از انسان‌های ترسو و ضعیف. یعنی در دعا هم می‌خواهد بیان کند که انسان‌ها نباید ضعیف باشند.

حضرت علی(ع) نیز فرمودند که: «المؤمن نفسه اصلب من الصلد...»؛ [المؤمن نفسه أصلب من الصلد و هو أذلّ من العبد. (غرر الحکم و درر الکلم، ص 116).] امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: «فالمؤمن يكون عزيزاً و لا يكون ذليلاً»؛ [کافی، ج 5، ص 63]. یعنی مؤمن نفس و جسمش از آهن محکمتر است. مؤمن گونه‌ای نیست که با

سخنی از عقیده خود دست بردارد یا به سوی عقیده‌ای هدایت شود، نه، او وقتی که به حدّ ایمانش رسید از کوه محکمتر است. اینکه بعضی انسانها فوراً از اصلی که برای خود در نظر گرفته‌اند منصرف میشوند، اینها مؤمن به آن اصل نیستند، اگر مؤمن باشند دیگر متزلزل نمیشوند. همین‌طور مؤمن همیشه باید عزیز باشد، نباید ذلیل گردد.

پس باید بدانیم قدرتی که در مبانی اسلام ذکر شده با دیدگاه نیچه در تباین است. به این صورت که ما قبول داریم ضعفها دلالت بر ذلت است ولی با ادامه نظر نیچه که میگوید: اگر انسان ضعیفی در چاله افتاد یک پای دیگر هم به آن بزن تا نابود گردد، مخالف هستیم زیرا از جهت عاطفه و محبت باید آن فرد ضعیف را یاری داد. اما باید دید هدف نیچه از انسان ضعیف چیست؟ آیا «ضعیف» شامل شخص فقیر یا مستضعف است؟ اگر چنین باشد آیا این نظر با آیه پنجم از سورة قصص «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ یعنی مستضعفان روی زمین پیشوایان و وارثان عالم‌اند منافاتی ندارد؟ که در مقاله بعدی به آن خواهیم پرداخت.